

اطلاعیه شماره ۲ گرایش کمونیسم شورایی

کارنامه‌ی پنج‌روزه‌ی خیزش سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴

در پایان روز پنجم خیزش سراسری مردم ایران علیه رژیم اسلامی، تصویر کلی تحولات میدانی و سیاسی نشان‌دهنده‌ی ورود جامعه به مرحله‌ای نوین از تقابل توده‌ای با کلیت نظام حاکم است؛ مرحله‌ای که نه تنها بر بستر انباشت طولانی‌مدت بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شکل گرفته، بلکه اکنون با عبور آشکار از مطالبات صرفاً معیشتی، مستقیماً ساختار قدرت و رأس سیاسی-ایدئولوژیک رژیم را هدف قرار داده است.

۱. گسترش و تشدید جنبش و ورود رژیم به فاز سرکوب عریان

از روز پنجم، دامنه‌ی تظاهرات به‌طور محسوسی در شهرهای مختلف کشور گسترش یافته و شدت یافته است. این گسترش با افزایش درگیری‌های خیابانی و مقاومت مردمی همراه بوده و از روز چهارم، رژیم در چندین شهر به شلیک مستقیم به سوی معترضان متوسل شده است؛ امری که به کشته و زخمی‌شدن شماری از مردم انجامیده است. توسل به گلوله، نشانه‌ی روشنی از بن‌بست سیاسی رژیم و رجوع آن به تنها ابزار تاریخی‌اش برای مهار جنبش‌های توده‌ای است. تجربه‌ی دهه‌های گذشته نشان داده که این مسیر، نه راه حل بحران بلکه تشدیدکننده‌ی شکاف دولت-جامعه و تسریع‌کننده‌ی رادیکالیزه‌شدن اعتراضات است.

۲. نقش برجسته‌ی شهرهای کوچک و حاشیه‌رانده‌شده

ویژگی شاخص این خیزش، گسترش وسیع آن در شهرهای کوچک و کم‌جمعیت است؛ شهرهایی که سال‌ها قربانی بی‌توجهی، فقر ساختاری و حذف از چرخه‌ی توسعه بوده‌اند. حضور پررنگ این مناطق بیانگر عمق نارضایتی اجتماعی و فروپاشی پایگاه‌های حداقلی مشروعیت رژیم در لایه‌های پیرامونی جامعه است.

۳. عریان‌شدن بحران راهبردی رژیم

فقدان هرگونه راه حل سیاسی از سوی حاکمیت آشکارتر از همیشه است: تعطیلی مراکز آموزشی و اداری، لفاظی‌های بی‌پایه‌ی سخنگویان رسمی، و فروپاشی کامل وعده‌های انتخاباتی پزشکیان، همگی نشانه‌هایی از سردرگمی و بی‌برنامگی ساختار قدرت‌اند. چرخش سریع دستگاه‌های رسانه‌ای وابسته به سپاه به روایت «دشمن خارجی» نیز بازتولید همان الگوی فرسوده‌ای است که دیگر برای بخش بزرگی از جامعه کارکرد اقتاعی ندارد.

۴. عبور جنبش از مطالبات اقتصادی به نفی کلیت نظام

انباشت فقر، تورم، بیکاری و افشای اختلاس‌ها و فسادهای نجومی، زمینه‌ای فراهم کرده که خیزش کنونی از همان آغاز، مستقیماً کلیت نظام، اصل ولایت فقیه و ساختار دیکتاتوری حاکم را نشانه رود. شعارهای رادیکال سرنگونی‌طلبانه و نیز شور و هیجان قابل مشاهده در تجمع‌های پیشینی، از جمله مراسم تشییع خسرو دهکردی در مشهد، گویای ورود جامعه به فاز سیاسی صریح و بی‌واسطه است.

۵. تضعیف موقعیت سرکوب پس از جنگ ۲۱ روزه

به‌نظر می‌رسد تجربه‌ی جنگ ۲۱ روزه، توان و اعتمادبه‌نفس دستگاه سرکوب را تضعیف کرده است. این تجربه، تصویر «قدرت مطلق» رژیم را در هم شکسته و نشانه‌هایی از تردید و فرسایش در صفوف میدانی آن پدید آورده است؛ وضعیتی که می‌تواند در توازن قوای خیابانی و اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

۶. بازتاب و ابعاد بین‌المللی

خیزش جاری بازتابی سریع و گسترده در رسانه‌های جهانی داشته و هم‌زمان با موضع‌گیری‌هایی از سوی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه در اروپا و آمریکا، همراه شده است. هرچند این مواضع عمدتاً در چارچوب منافع و محاسبات خود آنان قابل فهم است، اما در هر حال انزوای سیاسی رژیم را تشدید می‌کند.

۷. مسأله‌ی بدیل و شکاف آلترناتیوها

طرح شعارهایی در حمایت از رضا پهلوی، واقعیتی قابل انکار نیست و نشان‌دهنده‌ی خلأ بدیل سیاسی منسجم در میدان است. در عین حال، برجسته‌شدن این گرایش بیش از آن‌که محصول اجماع آگاهانه باشد، بازتاب فقدان سازمان‌یافتگی و حضور ضعیف دیگر آلترناتیوهاست: از جمهوری‌خواهان و سوسیال‌دموکرات‌ها تا چپ رادیکال و گرایش‌های انقلابی. این وضعیت، ضرورت مداخله‌ی فعال و روشن نیروهای مترقی و شورایی را دوچندان می‌کند.

۸. افق و وظایف گرایش شورایی

از منظر گرایش شورایی، تداوم و تعمیق خیزش کنونی مستلزم پیوند ارگانیک میدان خیابان با عرصه‌های کار، تولید و زندگی روزمره است. مشارکت فعال کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران، بازنشستگان، کامیون‌داران و دیگر نیروهای اجتماعی سازمان‌یافته، شرط حیاتی گسترش جنبش است.

در سطح سیاسی، لازم است افقی فراتر از بازگشت به گذشته و سلطنت‌طلبی طرح شود؛ افقی مبتنی بر آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و دموکراسی، که می‌تواند در قالب جمهوری دموکراتیک و به‌ویژه جمهوری دموکراتیک شورایی متبلور گردد؛ شکلی از حاکمیت که بر خودسازمان‌یابی توده‌ها، شوراهای منتخب از پایین و کنترل اجتماعی قدرت استوار است.

۹. از خیابان تا مراکز اقتصادی و اجتماعی

خیزش توده‌ای نمی‌تواند صرفاً به حضور خیابانی محدود بماند. مراکز تولیدی، خدماتی، مالی، بازار و زیرساخت‌های حیاتی اقتصاد، عرصه‌های مکمل و تعیین‌کننده‌ی نبرد اجتماعی‌اند. در شرایطی که فساد سیستماتیک و غارت سازمان‌یافته شالوده‌ی بقای رژیم را تشکیل می‌دهد، اعمال فشار اجتماعی و سازمان‌یافته بر شریان‌های اقتصادی، نقشی کلیدی در تضعیف توان حاکمیت دارد.

۱۰. دفاع اجتماعی و حق مقاومت

در برابر سرکوب عریان و کشتار، مسأله‌ی دفاع جمعی و اجتماعی به‌عنوان حقی مشروع برای حفظ جان و کرامت انسانی مطرح می‌شود. گرایش شورایی بر سازمان‌یافتگی، همبستگی و اشکال آگاهانه‌ی مقاومت مردمی تأکید دارد؛ مقاومتی که هدف آن نه بازتولید خشونت، بلکه عقب‌راندن ماشین سرکوب و گشودن راه برای اراده‌ی آزاد اکثریت جامعه است.

جمع‌بندی:

پنج روز نخست خیزش دی‌ماه ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که جامعه‌ی ایران در آستانه‌ی یک چرخش تاریخی قرار گرفته است. آینده‌ی این خیزش، بیش از هر چیز، به سطح سازمان‌یافتگی از پایین، روشنی افق سیاسی، و توان پیوند میان خیابان، محل کار و زندگی اجتماعی وابسته است. گرایش شورایی، با تکیه بر تجربه‌ی تاریخی جنبش‌های توده‌ای و نیازهای امروز جامعه، می‌کوشد این افق را به‌مثابه بدیلی رهایی‌بخش و انسانی در برابر هم‌دیکتاتوری مذهبی و هم‌بازگشت به اشکال کهنه‌ی سلطه، به میدان آورد.

گرایش کمونیسم شورایی

۱۲ دی ۱۴۰۴ برابر ۲ ژانویه ۲۰۲۶